مصاحبه مجله اینترنتی " اکو سوسیالیست" ترکیه با مه لقا ملاح از زنان پیشرو حفاظت از محیط زیست ایران. مه لقا ملاح علاوه بر فعالیت های زیست محیطی، همراه با مادرش " خدیجه افضل وزیری " و مادربزرگش " بی بی خانم استر آبادی" که از پیشگامان عصر خود در زمینه آموزش زنان بودند، فعالیت هایی نیز در این زمینه داشته است.

مصاحبه گر" آک گون ایلهان" از فعالین بنام محیط زیست ترکیه است. او دارای مدرک دکترای جامعه شناسی با گرایش محیط زیست از دانشگاه بارسلون اسپانیاست و عمده فعالیتش در ارتباط با محیط زیست در ترکیه مربوط به حقوق آب هاست. در همین زمینه و با تشدید مسئله خشک شدن دریاچه اورمیه مقالات متعددی در این رابطه به زبان های ترکی و انگلیسی نوشته که در سایت های فعال مسائل زیست محیطی منتشر شده است.

......................................................

آغاز فعالیت های زیست محیطی در ایران به سال های 1970 بر میگردد. با این حال تا سال 1990فعالیت های مدنی بنا به دلایلی امکان پذیر نبوده و محیط زیست نیز به عنوان حرکتی اجتماعی روند دگرگونی خود را در این مدت طی می کند. در همان سالها اداره غلط صنعتی ، گسترش بی رویه جمعیت ، شهرسازی و جنگ ایران و عراق و مسائل توسعه ای دیگر از این قبیل، ابعاد بی چون چرایی به مشکلات زیست محیطی می بخشد. با روی کار آمدن محمد خاتمی به عنوان ریس جمهور ایران ابتکارات مدنی شروع به رشد و قدرت گرفتن میکنند. اولین زن در ایران به عنوان معاون ریس جمهور و ریس سازمان محیط زیست شروع به فعالیت میکند. در این سرزمین زنان در ابعاد وسیعی به عنوان پیشگامان حفاظت از محیط زیست فعالیت داشته اند که دراین میان بدون تردید مه لقا ملاح شناخته شده تر است. به دیدار مه لقا ملاح موسس انجمن زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست که در سال 1990 تاسیس شده می رویم.

از کنار حوضی کوچک در وسط حیاط رد شده و در خانه را می زنیم. زنی با 150 سانتیمتر قد ، لباسی به غایت ساده و 94 ساله اما شاد و زیبا در را به رویمان باز میکند.در تهران داغ و سوزان در آخرین روزهای اردیبهشت ماه با هندوانه و توت فرنگی های که همچون یخ خنک هستند صحبت مان را شروع میکنیم.

از خانم ملاح در مورد چگونگی آغاز فعالیت های زیست محیطی در ایران و نقش زنان در این حرکت می پرسم . آغاز علاقمندی وی به مسائل زیست محیطی به زمانی برمیگردد که در سال 1970در کتابخانه کار میکرد. وقتی کتاب های مربوط به آلودگی محیط زیست را می خواند سوالهایی در رابطه با انسان و طبیعت و رابطه این دو باهم در او ایجاد می شوند. در همین زمان با سایر زنانی که در کتابخانه بودند مجالس بحث و گفتگوهای کوچکی در رابطه با محیط زیست شکل می گیرد.

با گذشت زمان حرکت زنان در رابطه با مسائل زیست محیطی وارد عرصه می شود. در حال حاضر مرکز این حرکت در تهران بوده و14 شعبه در شهرهای مختلف دارد که اکثریت اعضای آن را زنان تشکیل می دهند.

خانم ملاح که بارها و بارها در مورد محیط زیست رودروی دولت ایران قرار گرفته با سایر زنان همفکرش ،علیه امضای پروتکل کیوتو توسط دولت ایران اعتراض کرده .

همچنین اعتراض به ساخت بزرگراه تهران به خزر که منابع جنگلی را مورد تهدید قرار می داد نیز از دیگر فعالیت های آنهاست. زیر سوال بردن فعالیت های دولت ایران که به طبیعت و انسان ضرر می رساند موجب محاکمه او شده و احکام شدیدی برایش صادر میشود. با وجود همه ی این ناملایمات، او قدرت گرفته و این مجادله را همچون لوکوموتیوی به پیش می راند!

**زنان تربیت کننده گان جامعه**

از دیدگاه خانم ملاح زنان عنصر اصلی جامعه هستند. در ایران با توسعه فیزیکی مشکلات زیست محیطی عوامل اجتماعی مولد این مسائل نیز بیشتر مورد تاکید قرار می گیرند. او با در نظر گرفتن نقش زنان در جامعه که خالق- زاینده هستند می افزاید: ما با کسانی مبارزه میکنیم که این مشکلات را به وجود آورده اند کسانی که زنان آنها را به دنیا آورده اند و از این منظراز آنچه که در دنیا اتفاق می افتد باید زنان مورد سوال قرار گیرند! با سوال "آیا ما میکنیم عزیزم؟" اعتراض را شروع کرده و اینگونه ادامه می دهد: زنان تربیت کننده هستند و چگونگی ارتباط کودکانی که به دنیا می آورند با زنان است. کودک در ابتدا با زبان و دانسته های مادرش دنیای خیالی خود را می سازد . خانم ملاح نقش زنان در کنترل جمعیت(باروری) به تبع آن نقش کلیدی زن در جامعه را مورد توجه قرار می دهد. وقتی او از انفجار جمعیت و کمبود منابع جهانی در مقابل این افزایش جمعیت و نقش زنان در کنترل باروری ، صحبت میکند جریان ممنوعیت سقط جینین در ترکیه بیشتر از قبل برایم معنادار می شود!

با صحبت های خانم ملاح از نقش تربیت کننده و زاینده زنان، سومین نقش زنان "مدیریت " نیز شکل می یابد.برای فهم نقش مدیریتی زنان در خانواده مثال های می آورد از خورد و خوراک گرفته تا موبایل و هرآنچه که در رابطه با مصرف خانگی در دست زنان است را مورد تاکید قرار می دهد. حتی لباس مردان خانواده را نیز زنان می خرند!

با گفتن اینکه زنان این سه نقش را ایفا میکنند ادامه می دهد که آنها می توانند جامعه را دوباره خلق کنند. با در نظر گرفتن این نقش های سه گانه برای زنان، مسئله محیط زیست و راه حل های کاربردی برای مبارزه با آنها نقش زنان در این مسئله واقعی تر و ملموس تر میشود. او داشتن محیط زیست سالم را در بازگشت به سوی زنان می داند.

***سیستم کاپیتالیسم در ابتدا زنان را هدف قرار می دهد!***

از خانم ملاح در مورد اینکه زنان در این مبارزه چه میتوانند انجام دهند می پرسم. به نظر او زنان بیش از هر زمانی در چنگال "بیماری خرید کردن" اسیر شده اند. طرز فکری که کاپیتالیسم از مصرف ایجاد کرده به طور اخص زنان را هدف قرار داده است. با این حرف او، خواسته و ناخواسته زنان تهران با آرایش های غلیظ و لباس های زرق و برق دار در خیابان های تهران به یادم می آیند! اگر قسمت عظیم دلیل این رفتارها را در محدودیت های رژیم حاکم روحانیون در ایران بدانم به نظرم خانم ملاح حق به جانب است. با گفتن اینکه" کاپیتالیزیم این نقش مصرف گرا بودن را برای زنان ایجاد کرده و در حالیکه هزاران سال است که سازندگان جامعه و مدیران آن ، زیر ضربه های آن سیستم قرار دارند تا زمانیکه این مصرف گرایی ادامه یابد هم طبیعت و هم انسان ها به آلودگی و مصرف ادامه خواهند داد "، از جایش بلند شده به طرف کتابخانه اش می رود.

یک قرن زندگی وارزیابی از 20 هزار سال!

**"دنیا و خودمان را نابود میکینیم"**

درحالیکه او کتابی را در دستش ورق می زند با حس کنجکاوی روزنامه نگارانه درباره بزرگترین تغییری که در حدود یک قرن زندگیش دیده می پرسم. با گفتن اینکه " در یک صد سال گذشته نابودی طبیعت بسیار سریع و عظیم شروع شد" صحبتش را آغاز می کند. سلاخان طبیعت که در کنار آن انسانها را نیز می کشند هنوز به قدر کافی رابطه بین این دو را نمی دانند. 60درصد وجود انسان از آب و بقیه از خاک و هوا و دیگر مواد تشکیل شده. یعنی ما از آب ، خاک و هوا به وجود آمده ایم! وقتی این ها را کثیف و آلوده میکینم در واقع خودمان رانیز آلوده کرده و نابود میکنیم. نمود عینی تخریب دنیا ، تغییرات جهانی آب و هواست.

او می گوید: این مساله به تمام جهان ضربه می زند و این به هم ریختگی مدوام محیط زیست به امری عادی تبدیل شده که عینا به چشم دیده می شود. می پرسم چرا اینگونه شد؟چرا انسانها جایی را که در آن زندگی میکنند تا این حد را آلوده کردند؟

**فراموش کردیم!**

جواب سوالم "فراموش کردیم" است و ساکت می شود! سکوتش به درازا میکشد. می اندیشم که چه چیز را فراموش کردیم؟ از کتاب مولانا که در دستش است این کلمات را تک تک می خواند: انسان ابتدا به صورت موجودی بدون هستی ظهور کرد. سپس زندگی نباتی یافت و سالها و سالها او در میان گیاهان همچون گیاه زیست بدون اینکه خبری از زندگی بدون هستی سابقش داشته باشد. از گیاه به حیوان تبدیل شد در حالیکه از زندگی گیاهی اش چیزی به خاطر نمی آورد. بعدها خدا او را از حالت حیوانی به انسان مبدل کرد . از ذهن و فکر سابقش هیچ خاطره ای در ذهن او نبود همه را فراموش کرده بود. زمان می برد تا به این حرف هایی که بیش از هفتصد سال پیش گفته شده اند واکنش نشان دهم. سپس همچون خاطره ای در ذهنم می گویم : آری فراموش کردیم. آری فراموش کردیم از کجا آمده ایم و از چه وجود یافتن مان را نیز. حیوانات ، گیاهان ، آب، خاک و هوا را فراموش کردیم انگار که نه ما و نه آنها قسمت هایی از وجود یکدیگر هستیم.فراموش کردیم خوارکی هایی که می خوریم، آبی که می نوشیم ، هوایی که تنفس میکنیم از کجا آمده اند. سیاره ای که در آن زندگی میکنیم را فراموش کردیم انگار که بدون آن نیز می توانیم زندگی کنیم.

بیا به باغچه برویم " می گوید و از جایش بلند می شود. از زیر درختان انگور می گذریم و کنار سبزی هایی که کاشته می رویم. از هوا و آب و خاک صحبت می کنیم. زمان در حال گذر و اتمام است برای وداع خم میشوم و گونه اش را می بوسم . او که انتظار این کار را نداشت کمی تعجب می کند. زنی را که پس از سالها مولانا را در خاطرم زنده کرد در آغوش میگیرم . خانه خانم ملاح را که ترک میکنیم با حسی کشف گونه با خود زمزمه میکنم: "به یاد می آورم". به محض بازگشت به خانه دو کار باید انجام دهم:یادآوری آنچه فراموش کرده ایم به دیگران و نوشتن این گفتگو .

.........................................